روزنامه شرق

پنجشنبه ۵ آذر ۱۴۰۵
۱۶ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸
۲۶ نوامبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۵۳۷
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه



آرشیو فیلم و تلویزیون دانشگاه کالیفرنیا، لس‌آنجلس (UCLA) خبر داد

مروا نبیلی درگذشت

۸

سرمقاله

بار دیگر آخرالزمان!



سیدمصطفی‌هاشمی‌طبا

صفحات نورانی رسانه ملی شاهد بروز دائم‌التزاید سخنان چهره‌های تکراری و متوهمی است که گوی چوگان خویش را در زمین بدون مانع و رقیب به چرخش درمی‌آورند. یکی با متانت و وقار و دیگری با آستین‌های بالازده که گویی به مبارزه مشت‌زنی پا گذارده است و هر شب و در برنامه‌های مختلف فتوکپی سخنان خود را بازنشر می‌کند. نه اینکه همه سخنان بی‌مورد باشند اما سخنان اینان نه تازگی دارد و نه مقیاسی برای اثبات؛ تازگی ندارد زیرا قبلا و قبلا مارکسیست‌ها اعم از توده‌ای‌ها، فداییان خلق، پیکاری‌ها و دیگر نحله‌های آنان در محکومیت رژیم‌های لیبرال‌دموکراسی غربی و جهان‌خواری آنان بسیار از این قبیل سخنان گفته بودند، اما از آنجا که سردمداران جهانی آنان در مبارزه با امپریالیسم خون‌خوار و جهان‌خوار ملت‌های خود را خوار و خفیف کرده بودند و در دل ملت‌های خود حسرت پیوند با غربیان را کاشته بودند، حرف آنها در مبارزه با امپریالیسم که نوعا حقیقت را دربر داشت، نتوانست مایه امید و سرافرازی خود و ملت باشد. شاید حرف‌های آن ماتریالیست‌ها دقیق‌تر و مستندتر بود تا اینان، ولی وقتی چاره در ایجاد دیکتاتوری پرولتاریا و به‌قول این رسانه‌نشین‌ها احیای تصویر آخرالزمانی در زمان حاضر باشد، طبعا راه به جایی نمی‌برد. حال دیکتاتوری پرولتاریا برساخته از یک تفکر معوج است که طبعا از فلسفه‌گرایان بعید نیست، زیرا کلام در زبان ایشان مومی است که هرگونه بخواهند تجلی می‌دهند اما مرجع قراردادن اصطلاحات دینی، خود جای سؤال دارد. حضرت آیت‌الله سیستانی مانند همه مراجع دینی رسما اعلام کردند که توقیت یعنی وقت تعیین‌کردن برای ظهور حضرت (آخرالزمان) ممنوع است. حال معلوم نیست چگونه فردی که نشان از دین‌داری در خود دارد، تصریح می‌کند که این جنگ (ظاهرا جنگ حاضر ولی معلوم نیست کدام جنگ) جنگ آخرالزمانی است و ما پیروز می‌شویم و بساط استکبار جهان‌خوار غربی برچیده می‌شود. شاید هم به‌قول مذهبی‌ها توریه می‌کند و در ذهن خود مقصود از این جنگ را یک جنگ فرضی خیالی می‌داند؛ به این می‌گویند توریه. در زمان حکومت محمدرضا که بی‌حجابی و بی‌پروایی را علامت روشنفکری و سواد می‌دانستند و چادری‌ها را امل و بی‌سواد، خانمی چادری به بازار برای خرید پارچه رفته بود. فروشنده قسم می‌خورد که این پشم است. خانم چادری دیده بود که در حاشیه چادر نوشته شده مخلوط پشم با پلی‌استر. در همان حال دیده بود که فروشنده دستش به ریش است و می‌گوید والله این پشم است و در پاسخ آن خانم می‌گوید مگر شما انگلیسی بلد هستید؟ این است توریه. در میان این تئوری آخرالزمانی که معلوم می‌شود گوینده با عناصر آن‌جهانی ارتباط دارد، مجری خام‌اندیش فرصت را مغتنم می‌شمارد و همه معضلات ناشی از غرب‌گرایی و رواج لیبرالیسم را متوجه هاشمی‌رفسنجانی می‌کند و می‌خواهد از آب گل‌آلود، ماهی محکومیت هاشمی‌رفسنجانی را بگیرد که آن‌همه امام راحل و رهبر شهید در اوصاف او سخن گفته‌اند. مجری متظاهری که نه می‌داند لیبرالیسم چیست و نه مظاهر آن را می‌تواند بشمارد. اگر اندکی مطالعه داشت، مظاهر لیبرالیسم را در امپراتور میجی ژاپن در قرن ۱۹ می‌دید که به‌دلیل سیاست‌های لیبرالی او میلیون‌ها ژاپنی از فقر تلف شدند یا به سابقه روش‌های اقتصادی حکومت‌های انگلیس و فرانسه در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم می‌دید که چگونه فقر بخش اعظمی از جمعیت آنان را دچار مشکلات جسمی و روانی کرد و همچنین اگر سیاست‌های بانک جهانی را مورد توجه قرار می‌داد، معنای سیاست‌های لیبرالی را درک می‌کرد. این سیاست‌ها کجا و سیاست‌های دولت‌های ایران که واقعا غم معیشت مردم را همواره داشتند، هرچند سیاست‌های آنان از دیدگاه‌هایی چندان صحیح نبود، اما اطلاق لیبرالیسم به دولت‌های ایران به‌تحقیق نادرست است. از سویی این نوع سخنان که متأسفانه همواره در رسانه ملی مطرح می‌شود مستقیم تعرضی به رهبر شهیدمان است. اینان که تظاهر به ولایی‌بودن می‌کنند به‌قول معروف به در می‌گویند که دیوار بشنود.

ادامه در صفحه ۵

در «شرق» امروز می‌خوانید: دولت بغداد کنترل بر نفت و گذرگاه‌ها را گسترش می‌دهد • رئال با درخشش بلینگام، آیندهوون را درهم کوبید

«شرق» از بن‌بست مذاکرات و افزایش نشانه‌های بازگشت تنش میان ایران و آمریکا گزارش می‌دهد

وسوسه حمله محدود

مالک مصدق: با گذشت ماه‌ها از جنگ ۴۰روزه و در شرایطی که گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال تکرار رویارویی نظامی میان ایران از یک سو و آمریکا و اسرائیل از سوی دیگر همچنان ادامه دارد، هنوز سناریوی آغاز جنگی تازه به واقعیت تبدیل نشده است. با این حال، فاصله میان وقوع جنگ و منتفی‌شدن آن، فاصله‌ای معنادار است که نمی‌توان آن را با نشانه‌های مقطعی کاهش تنش یکسان دانست. در ماه‌های گذشته، بازه‌های زمانی متفاوتی برای آغاز دور تازه حملات مطرح شده و هر بار، تحولات سیاسی و محاسبات نظامی به تعویق یا بازنگری در این پیش‌بینی‌ها انجامیده است. اکنون نیز تازه‌ترین گزارش‌های رسانه‌های غربی و منطقه‌ای از انسداد مذاکرات هسته‌ای، کاهش نقش میانجیگرانه جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا و ازسرگیری فشارهای بنیامین نتانیاهو برای اقدام نظامی حکایت دارند. هم‌زمان، نشانه‌هایی از افزایش تنش در پهنه جنوبی خلیج فارس و پیرامون مسیرهای کشتیرانی و تأسیسات منطقه‌ای گزارش شده است. مجموعه این تحولات بار دیگر احتمال بازگشت گزینه نظامی را برجسته کرده است. با وجود این، باید میان تهدیدهای سیاسی، آمادگی نظامی و تصمیم قطعی برای آغاز جنگ تمایز قائل شد. پرسش اصلی اکنون این است که آیا زدوخوردهای محدود و فشارهای متقابل، مقدمه‌ای برای یک رویارویی گسترده‌تر هستند یا همچنان می‌توان از شکل‌گیری مسیری برای مهار بحران جلوگیری کرد؟ در این بین ترامپ گفته است هزینه جنگ تا پایان ژانویه تأمین شده است. تازه‌ترین گزارش نشریه آتلانتیک درباره محاسبات دونالد ترامپ در قبال ایران، بار دیگر احتمال بازگشت واشینگتن به گزینه نظامی را در کانون توجه قرار داده است.

گزارش تیتر یک را در صفحه ۲ بخوانید

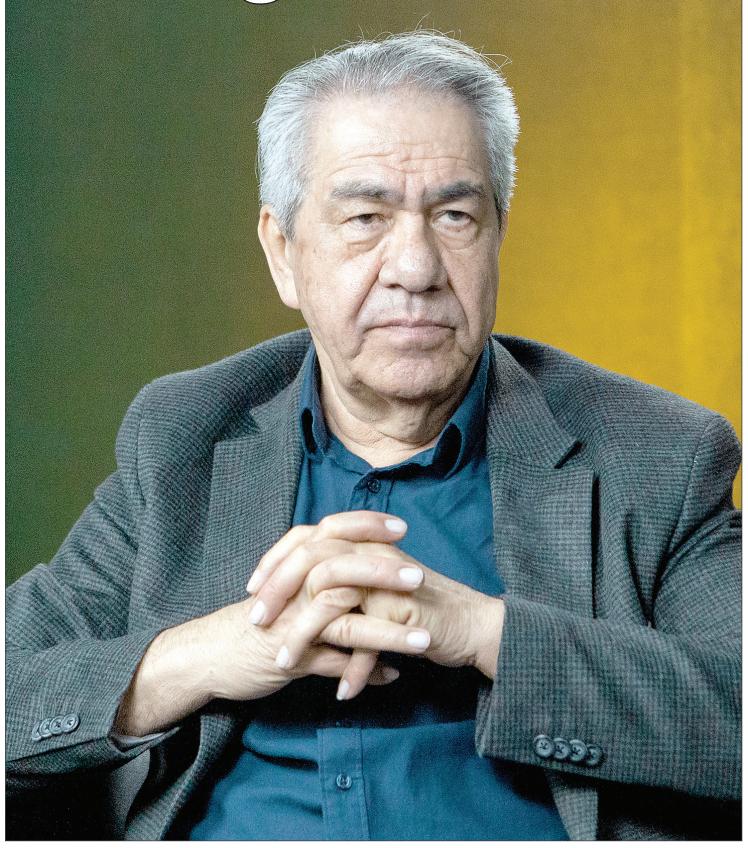
گزارش «شرق» از بازنشستگی اجباری ۴۰۰ استاد دانشگاه فرهنگیان و ۱۶ ماه بلاتکلیفی آنها:

خانه‌نشینی ۴۰۰ استاد دانشگاه

صفحه ۵

گفت‌وگوی «شرق» با جهانگیر کوثری گزارشگر، کارشناس فوتبال و تهیه‌کننده سینما

فوتبال مسئله ملی است نه سیاسی



این گفت‌وگو را در صفحه ۷ بخوانید. عکس: عباس کوثری، شرق

برگزیده‌ها

رئیس‌جمهور در جمع دانشگاهیان:

زمان حضور در میدان و اقدام عملی است

۲

روزنامه نیویورک‌تایمز برای نخستین بار خبر داد:

رخنه سایبری در قلب دستگاه اطلاعاتی آمریکا

۴

آیزنکوت برای تشکیل دولت با مخالفت شرکای سیاسی خود روبه‌رو شد

راه نخست‌وزیری از لیکود می‌گذرد

۴

خداحافظی با هنرمند بدون حاشیه و خاطره‌ساز

پیکر غلامرضا نیکخواه تشییع شد

۸

افشاگری فردوسی‌پور از فسادی که در عرصه داوری فوتبال رخ داده است

راز پرونده ۵۰ سکه فرودگاه کرمان

۶

یادداشت

شهروند در برابر شهروند؛ حکومت کجاست؟



امیراحمدشیشه‌گر

وقتی قانون اجرا نمی‌شود، چگونه حق و امنیت شهروندان قربانی رفتار دیگران می‌شود و چه کسی مسئول حفاظت از آن است؟ مادری با کالسکه کودک به انتهای پیاده‌رو می‌رسد. جلوتر، یک خودرو بخشی از مسیر را گرفته، چند پله و رمپ پارکینگ سطح پیاده‌رو را شکسته و بساط یک مغازه راه باقی‌مانده را بسته است. هنوز راهی پیدا نکرده که موتورسیکلتی از پشت سر نزدیک می‌شود. کمی آن‌طرف‌تر، سالمندی برای ادامه مسیر ناچار است وارد سواره‌رو شود. هیچ‌یک از این افراد کار غیرعادی نمی‌کنند؛ فقط می‌خواهند از فضای عمومی شهر عبور کنند. اما برای استفاده از حق بدیهی خود باید خطر کنند، وقت بگذارند یا با دیگران درگیر شوند. در چنین صحنه‌هایی، نخستین پرسش معمولا این است که چرا بعضی شهروندان حق دیگران را رعایت نمی‌کنند؟ پرسش مهم‌تر اما متوجه حکمرانی است. وقتی رفتار یک فرد، امنیت و حق عبور فرد دیگری را از بین می‌برد، چه نهادی باید مانع شود؟ آیا سالمند، فرد دارای معلولیت یا عابر پیاده باید شخصا با موتورسوار، مالک ساختمان و صاحب مغازه مذاکره کند؟ اگر طرف مقابل نپذیرفت، قرار است شهروند ضعیف‌تر از حقش صرف‌نظر کند؟ این مسئله را نمی‌توان صرفا به ضعف فرهنگ عمومی فروکاست؛ رفتار فردی اهمیت دارد و مسئولیت متخلف از میان نمی‌رود. اما شهر، مجموعه‌ای از حقوق مشترک است که بدون قواعد روشن، طراحی درست و اجرای بی‌طرفانه دوام نمی‌آورد. توقف روی خط عابر، دنده‌عقب‌رفتن در بزرگراه، حرکت خلاف جهت در خیابان یک‌طرفه، راندن موتور در پیاده‌رو، گذاشتن موانع مقابل مغازه و تصرف پیاده‌رو یا کالا، نمونه‌هایی متفاوت از یک پدیده‌اند: منفعت یا راحتی یک نفر، به هزینه و خطر تحمیل‌شده بر دیگری تبدیل می‌شود. قانون در بسیاری از این موارد ساکت نیست. ماده ۲۰ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، حرکت موتورسیکلت در پیاده‌رو یا خلاف مسیر مجاز را تخلف می‌داند. ماده ۱۲۲ آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی، حرکت خلاف جهت در راه یک‌طرفه را منع می‌کند. تبصره یک ماده ۵۵ قانون شهرداری نیز سد معبر و اشغال غیرمجاز پیاده‌رو را ممنوع کرده و برای شهرداری تکلیف پیشگیری و رفع مانع قرار داده است. ماده ۲ قانون حمایت از حقوق معلولان نیز دستگاه‌های عمومی را در طراحی و احداث معابر به رعایت دسترس‌پذیری ملزم می‌کند. بنابراین بخش مهمی از مسئله، کمبود حکم قانونی نیست؛ فاصله قانون تا تجربه روزانه مردم است. این فاصله فقط به تخلف آشکار محدود نمی‌شود. گاهی خطر از جایی آغاز می‌شود که خودِ شهر اجازه ساخت داده است. مالک ساختمانی رمپ پارکینگ را چنان در امتداد پیاده‌رو اجرا می‌کند که سطح عبور عابران شیب عرضی نامناسب پیدا می‌کند. پیمانکار خصوصی برای دستگاه عمومی پیاده‌رویی می‌سازد که بعد از مدتی سنگ‌های آن لق می‌شوند، آب در چاله‌ها جمع می‌شود یا مسیر ویلچر ناگهان با پله قطع می‌شود. حتی اگر در پایان کار صورت‌وضعیت پیمانکار تأیید شده باشد، برای شهروند نتیجه روشن است: معبری که قرار بوده از او محافظت کند، به مانع یا منشأ خطر تبدیل شده است. در چنین مواردی باید میان مسئولیت اجراکننده، ناظر فنی و کارفرمای عمومی، بر پایه قرارداد و مقررات، تمایز گذاشت، نه آنکه بدون رسیدگی همه را یکسان مقصر دانست. نشانه‌ای از رسمی‌بودن مسئله را می‌توان در اقدام اخیر مدیریت شهری تهران دید. در ۳۱ شهریور ۱۴۰۵ اعلام شد که شیوه‌نامه‌ای ۱۳ماده‌ای برای رفع سد معبر اصناف، با هدف وحدت رویه در مناطق بیست‌ودوگانه، ابلاغ شده است. اصل تدوین این شیوه‌نامه نشان می‌دهد مسئله شناسایی شده است. اما معیار موفقیت، تعداد بخش‌نامه‌ها نیست؛ باید سنجید چند مسیر واقعا آزاد شده، چه مدت آزاد مانده و آیا عابر، به‌ویژه سالمند و فرد دارای معلولیت، بدون ورود به خیابان از آن عبور می‌کند یا نه.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

منظر فرهنگی شهر شیراز



ترانه یلدا

معمار و شهرساز

چند روز اخیر را میهمان شهر شیراز و رویدادی بودم که با برنامه‌ریزی و تلاش دوستان در محل کتابخانه ملی و مرکز اسناد آن شهر جذاب برگزار شد. رویدادی متنوع شامل نمایشگاه کارهای هجدهمین مسابقه معماری و طراحی شهری مجله معماری و ساختمان، سخنرانی‌های متعدد، اهدای جوایز به برندگان مسابقه و از همه مهم‌تر دو روز تمام کنفرانس باغ ایرانی که توسط دوستان دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه حافظ شیراز، با سخنرانی‌ها و پنل‌های گفت‌وگوی داغ، با مدیریت دکتر هیوا رحمانی جریان یافت. در بخشی دیگر از رویداد، کارگاه جالبی با ابتکار معمار معروف مهرداد ایروانیان و دستیارانی چون ایمان آگاه، برای معماران جوان دانشجو به مدت پنج روز در محل جادویی «تار و پود» اجرا شد، تا برای منظر شهری آینده‌محور تاریخی چهارباغ شهر شیراز، با آشناشدن به مفاهیم مربوطه چون مرز، آستانه، حافظه جمعی، لایه‌های میراث تاریخی و... به فکر، مشورت و در نهایت طراحی بپردازند.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

انجماد اجتماعی

به مناسبت آغاز سال جدید تحصیلی دانشگاه‌ها



سیدجواد جمالی

کارشناس اقتصادی

کاهش چشمگیر نابرابری درآمد و ثروت در کشورهای ثروتمند که تقریبا از پایان جنگ جهانی دوم تا اوایل دهه ۱۹۸۰ اتفاق افتاد، بر چهار رکن اصلی متکی بود. اتحادیه‌های کارگری قوی، آموزش همگانی، مالیات‌های بالا و انتقال‌های اجتماعی بزرگ از سوی دولت‌ها. از حدود ۴۰ سال پیش که نابرابری روند صعودی یافته، تلاش‌ها برای ممانعت از افزایش بیشتر نابرابری به نقش‌آفرینی مجدد این چهار رکن یا حداقل تعدادی از آنها معطوف بوده است. شاید آموزش همگانی و تحصیلات دانشگاهی مهم‌ترین رکن در جهت کاهش اختلاف طبقاتی محسوب می‌شود. برانکو میلانوویچ در کتاب «سرمایه‌داری و دیگر هیچ» نشان می‌دهد که طبقه بالای جامعه تمایل بیشتری به بحث آموزش فرزندان خود دارند. طبقه بالای جامعه خواهان اطمینان از این مهم است که دارایی‌ها و امتیازاتشان به فرزندانشان منتقل شود، در اینجا نقش آموزش خصوصی پرهزینه را باید متفاوت دید. تأمین هزینه آموزش عالی خصوصی که بعضا چندین برابر سریع‌تر از درآمد واقعی خانوارهای آمریکایی افزایش یافته، به مشکل حاد خانواده‌های طبقه متوسط در آموزش فرزندان بدل شده است. از میان ۳۸ دانشگاه و کالج برتر آمریکا تعداد دانشجویان پذیرش‌شده از خانواده‌های واقع در یک درصد بالای توزیع درآمد از کل دانشجویان پذیرش‌شده از خانواده‌های واقع در رده ۶۰ درصد پایین توزیع درآمد بیشتر است. گزاره فوق بدین معناست که شانس حضور در کالج‌های برتر برای فرزندان متولد خانواده‌های ثروتمند ۶۰ برابر بیشتر از فرزندان متولد خانواده‌های فقیر و طبقه متوسط است. هزینه بالا در برخی مدارس خاص و برتر دارای کارکردی متفاوت است. توجه داشته باشید که عامل هزینه بالا برای ایجاد تبعیض و تمایز ضروری است. اگر هزینه‌ها کاهش یابند، رقابت فرزندان افراد ثروتمند بسیار شدیدتر خواهد بود. امتیازات اصلی فرزندان افراد این طبقه وقتی نمود می‌یابد که تفاوت بارز درآمد فارغ‌التحصیلان کالج‌های برتر را با فارغ‌التحصیلان سایر کالج‌ها مقایسه کنیم. افرادی که از ۱۰ کالج برتر فارغ‌التحصیل شده‌اند، تنها ۱۰ سال بعد سالانه متوسط حقوقشان ۲۲۰ هزار دلار است، اما متوسط حقوق فارغ‌التحصیلان بقیه کالج‌های آمریکا ۶۸ هزار دلار است. فرید زکریا در کتاب «جهان‌گیری کرونا و ۱۰ درس برای آینده» توضیح می‌دهد: مزایای مالی تحصیلات دانشگاهی به طور پیوسته افزایش یافته زیرا اقتصاد جهان صنعتی‌تر، دیجیتالی‌تر و خدمت‌گراتر شده که این امر به شدت به فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها متکی است. از طرف دیگر آمریکا به سادگی راه‌هایی برای جابه‌جایی کودکان فقیر سیاهپوست به طرف نردبان آموزش عالی پیدا نکرده است. یک مطالعه در مورد پذیرش دانشگاه‌ها از ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۳ نتایج بسیار حیرت‌انگیزی را نشان می‌دهد. این مطالعه نشان می‌دهد که فرزندان یک درصد بالای درآمد جامعه ۷۷ برابر بیشتر احتمال دارد که فرزندانشان در هفت دانشگاه برتر آمریکا یا سایر دانشگاه‌های نخبه پذیرش بگیرند تا فرزندان خانواده‌های فقیر ۲۰ درصد پایین جامعه. طبق نکات ذکرشده فرزندان افراد حاضر در طبقه پایین جامعه شانس بسیار کمی دارند تا بتوانند با ورود به بهترین دانشگاه‌ها آینده بهتری را برای خود رقم بزنند. امکان حرکت و صعود به مدارج بالای علمی، اجتماعی و اقتصادی به معنای وجود پویایی و تحرک در جامعه است. بلانچارد و دنی رودریک در کتاب «مبارزه با نابرابری» نشان می‌دهند: در چنین جوامعی میزان شکاف طبقاتی کمتر از جوامع فاقد تحرک اجتماعی است. تحرک را به دو صورت می‌توان در نظر گرفت: تحرک در طول نسل‌ها (تحرک بین‌نسلی) و تحرک طی عمر افراد (تحرک درون‌نسلی). در بین کشورهای ثروتمند آنهایی که سطح نابرابری پایینی دارند (مثلا کشورهای حوزه اسکاندیناوی با سهم درآمدی ۲۵ تا ۳۰ درصد برای دهک برخوردار) معمولا واجد سطوح تحرک نسبتا بالاتری هستند. کشورهای دارای نابرابری متوسط (برای مثال فرانسه و آلمان با سهم درآمدی ۳۰ تا ۳۵ درصد برای دهک برخوردار) تحرک متوسطی خواهند داشت و در کشورهایی که نابرابری شدت دارد (به عنوان نمونه ایالات متحده با سهم ۴۵ درصدی برای دهک ثروتمندترین) احتمال آنکه کودکان دو دهک محروم‌ترین در آینده به دو دهک بالایی برسند، فقط ۱۰ درصد است.

ادامه در صفحه ۴

انا لله و انا الیه راجعون

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدر مهربان و برادر عزیزمان

علی کفاش طهرانی

را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رساند.
به همین مناسبت مراسم ختم آن مرحوم روز جمعه ۱۴۰۵/۰۹/۰۶ ساعت ۱۵ تا ۱۶:۳۰ در مسجد علی‌بن موسی‌الرضا(ع) واقع در میدان شهدا، خیابان شهید قادری برگزار می‌شود.
حضور شما سروران گرامی در این مراسم و تلاوت آیاتی چند از کلام‌الله مجید موجب شادی روح آن مرحوم و تسلای خاطر بازماندگان خواهد شد.